

مقدمه:

جبران خسارت معنوی نظر به ماهیت این دسته از خسارت‌ها از ویژگی خاص خود برخوردار است به نحوی که علاوه بر دشوار بودن ارزیابی مالی آن، دارای چنان تنوعی و تکثری است که نیازمند مطالعه و تحقیق است.

بررسی و تحقیق راجع به خسارت معنوی علاوه بر آن که به لحاظ نظری حائز اهمیت است، امروزه به لحاظ کاربردی نیز به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. با دقت در سیستم‌های حقوقی جاری کشورها، درمی‌یابیم که در دو بعد نظری و قانونی، خسارت معنوی در اکثر آنها قابل جبران بوده و تنها در تعداد معدودی از آنها، در این باره منع یا محدودیت‌هایی وجود دارد. مذاقه بیشتر، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که خصوصاً در دهه‌های اخیر روند قانون‌گذاری، رویه‌های قضایی، دکترین‌های حقوقی، توجه و تمایل جدی به این مقوله داشته و دارند. در نظام حقوقی کشورمان مشاهده می‌شود که موضوع کمتر بررسی شده است البته به جز چند اثر معدود.

شاید علت این ضعف را بتوان در عدم تدوین و تصویب قوانین مستقل و بی‌توجهی بنیادین به این مسئله از سوی نهادهای قانونگذار دانست. چگونه می‌توان پذیرفت که در نظام حقوق اسلام که همواره به حق و عدالت‌گستری تاکید داشته است و ایراد ظلمی حتی ناچیز، ناروا محسوب شده است، خسارت‌های معنوی وارد بر روح و روان انسان، شخصیت و حیثیت او مورد غفلت قرار گرفته و راهی برای جبران آن پیش‌بینی نشده باشد؟! علیرغم وجود زمینه‌های مناسب در متون قانونی (اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۱۰۳ و ۱۰۵ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ قانون مسئولیت مدنی و قاعده لاضرر و اتلاف و اصل جبران کامل ضرر وارده و لاجرم و قاعده غرور و...) جهت امکان جبران خسارت معنوی هنوز اکثریت قریب به اتفاق محاکم از صدور حکم در مورد دعاوی به خواسته خسارت معنوی خودداری

می‌نمایند و بر نظریه مورخه ۱۳۶۴/۹/۵ شورای نگهبان که جبران خسارت معنوی با وجه نقد را خلاف موازین شرعی می‌داند، پافشاری می‌کنند، در صورتی که متون قانونی فعلی به اندازه کافی روشن می‌باشد و موجبات احقاق حقوق بسیاری از خسارت دیدگان که در قلمرو حقوق معنوی زیان‌های جبران‌ناپذیری تحمل کرده‌اند کاملاً فراهم است.

بشر در بدو پیدایش خویش سرمایه‌ها و حقوق معنوی را در کنار سرمایه‌ها و حقوق مادی اعتبار کرده و آن را مورد حمایت قرار داده است و از این رو تکامل جوامع انسانی او را به سوی نهادینه‌سازی حمایت رهنمون کرده است. در مراحل نخست، حمایت به روشهای تنبیهی و مجازات صورت می‌پذیرفت و کیفر تنها وسیله اعاده آبروی از دست رفته مجنی‌علیه و تایید مجدد حیثیت وی به شمار می‌آمده است در مرحله دوم، روشهای شبه ترمیمی مانند دیه در کنار مجازات و کیفر برای جبران برخی از موارد خسارت معنوی مورد پذیرش قرار گرفت و به تدریج جایگاه روشهای ترمیمی بهبود یافت و در مرحله سوم، روشهای ترمیمی در جبران خسارت معنوی از تنوع و توسعه ویژه‌ای برخوردار شد چنان که امروزه بسیاری از کشورها در قوانین اساسی یا عادی خویش به روشهای ترمیمی توجه نشان داده‌اند.

از این روست که در حقوق برخی از کشورها نیز روش جبران خسارت به وسیله پول مورد پذیرش قرار گرفته است. اما همواره دو پرسش اساسی برای حقوق دانان مطرح بوده است؛ نخست اینکه آیا لطمه به حیثیت و اعتبار شخص با پرداخت مبلغی پول قابل جبران است؟ و دیگر اینکه آیا آلام و دردهای ناشی از صدمات جسمانی و لطمه‌های عاطفی به وسیله مال جبران می‌شود؟ پاسخ مثبت به این سوالات با اشکالات جدی طرفداران ارزشهای معنوی و اخلاقی روبروست. و به اعتقاد اینان چگونه می‌توان آبرو و حیثیت از دست رفته یا لطمه‌های عاطفی‌ای را که با ازدست دادن عزیزترین نزدیکان انسان حادث

می شود با دریافت پول جبران کرد؟ اصولاً چگونه می توان سرمایه های معنوی از بین رفته را با معیارهای مادی و کمی مورد ارزشیابی قرار داد؟ مطالعه و بررسی عقاید دانشمندان حقوق و اصول حقوقی مورد احترام در جهان معاصر، قوانین کشورهای خارجی، آرای محاکم، پیشینه تاریخی، فلسفی، اجتماعی و مبانی حقوق مبین آنست که باید بین خسارت معنوی محض (عواطف و احساسات) و خسارت معنوی غیر جسمی (اعتبار و خسارت و حیثیت تجاری) قائل به تفکیک است و صرفاً خسارات اخیر را قابل تقویم به پول دانست. در نظام حقوقی اسلام روشهای متنوعی برای جبران خسارت معنوی پیش بینی شده و همچنین جبران خسارت وارده به حقوق و سرمایه های معنوی به وسیله مال امری است که در حقوق اسلامی قابل اثبات است.

ضرورت انجام تحقیق: با توجه به دشوار بودن ارزیابی مالی خسارت معنوی و تنوع فراوان نیازمند مطالعه و تحقیق است.

فرضیه ها: ۱- در نظام حقوقی معاصر روشهای متنوعی جهت جبران خسارت معنوی پیش بینی شده است. ۲- حقوق کشورهای خارجی و حقوق بین الملل، جبران مالی خسارت معنوی را مورد پذیرش قرار داده اند. ۳- امکان ایجاد رویه مشخص در این زمینه وجود دارد. ۴- وضع قانون مستقل لازم و بلکه مفید است.

هدف: ایجاد راههای که در آن وسیله معادلی در اختیار زیان دیده قرار گیرد وسیله ای که بتواند او را خشنود سازد و جایگزین مال ازدست رفته یا وسیله ای که رنج درون را تحمل پذیر تر سازد. در این پایان نامه ضمن تعریف و تقسیم بندی در فصل اول به شیوه های عملی جبران خسارت معنوی در فصل دوم پرداخته شده و فصل سوم در مورد انتخاب بین شیوه های جبران خسارت است.

فصل نخست:

تعریف و منبع و انواع و مصادیق

خسارات معنوی

در این فصل ضمن بیان تعاریفی از اساتید محترم حقوق به بررسی منبع و انواع و صورت های عملی خسارت معنوی نیز پرداخته شده است . تا زمینه ء ورود به مباحث دیگر فراهم شود .

گفتار اول تعریف :

خسارت معنوی اصطلاح شایع و در عین حال پر ابهامی است که تعیین مصادیق و ترسیم دقیق قلمرو آن کار آسانی نیست زیرا با اینکه در متون قانونی متعدد به کار رفته و در نوشته‌ها و تألیفات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اما در هیچ یک از متون مزبور حقوق‌دانان در تعریف آن وحدت نظر ندارند. البته در بعضی مواد قانونی به ذکر پاره‌ای از عناصر مهم تشکیل‌دهنده خسارت معنوی اشاره شده است. مثلاً در صدر ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی آمده « کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت یا اعتبارات یا موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است ». یا در ماده ۱۰ همین قانون آمده « کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد ». در ماده ۹ (ق.آ.د.ک) نیز آمده است « ضرر و زیانی که قابل مطالبه است به شرح ذیل می‌باشد: ضرر و زیان معنوی که عبارت است از کسر حیثیت و اعتبار اشخاص یا صدمات روحی ». و ذیل ماده ۵۸ (ق. مجازات اسلامی مصوب ۱۳۵۸)، نیز آمده است ... و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام نمود. از مجموع مواد مزبور چنین استفاده می‌شود که خسارت وارده به حیثیت و آبروی افراد یا اعتبار اجتماعی اشخاص از جمله خسارات معنوی است ولی بی‌تردید خسارات معنوی محدود به این نبوده و مصادیق بسیار دیگر نیز دارد که در مواد قانون این مصادیق ذکر شده صرفاً تمثیلی است و جنبه احصائی ندارد.

از جمله:

- صدمات عاطفی مانند بی‌توجهی غیرقابل تحمل هر یک از زوجین به دیگری، آزرده شدن فرزند در مقابل مادر یا پدر او یا برعکس
- عدم وفای شخص به وعده ازدواج
- بعضی لطمات روحی از قبیل تهدید یا ترساندن شخص یا دادن خبر ناگوار یا امثال آن که معمولاً نه جنبه حیثیتی دارد و نه به اعتبار اجتماعی یا شخصی فرد خدشه وارد می‌سازد.
- تألمات جسمانی مانند شکنجه یا درد ناشی از ضرب و جرح و امثال آن که باز با مقولات قبل کاملاً متفاوت است.

لذا به منظور یافتن تعریفی جامع و مانع از این پدیده ابتدا به نظرات برخی محققین اشاره می‌کنیم. مولف ترمینولوژی^۱ حقوق در زمینه خسارت معنوی می‌نویسد: «ضرری است که به عرض و شرف متضرر یا یکی از اقارب او وارد می‌شود. مثلاً بر اثر افشای راز مرضی به حیثیت او لطمه وارد می‌شود. این خسارت طبق قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ قابل مطالبه است. ماده (۹-آ - د-ک)». این تعریف ناظر به گروه خاصی از خسارت معنوی است و از وجاهت لازم نسبت به همه گروهها و انواع خسارت معنوی برخوردار نیست. دکتر ناصر کاتوریان^۲ ضمن اذعان به دشوار بودن تمیز زیان معنوی از زیان مادی می‌نویسد: «برای اینکه مفهومی از آن به دست داشته باشیم می‌توان گفت صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی است مانند احساس درد جسمی و رنج‌های روحی، از بین رفتن آبرو و حیثیت و آزادی» در این تعریف با اشاره به برخی مصادیق بارز خسارت معنوی سعی شده است تا مفهومی نسبتاً قابل قبول ارائه شود ولی نویسنده نتوانسته است ملاک

^۱ - لنگرودی، دکتر محمد جعفر جعفری، ترمینولوژی حقوق، تهران انتشارات گنج دانش سال ۱۳۸۰ و ازه ۳۳۲۸، ص ۴۱۶.

^۲ - کاتوریان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، (مسئولیت مدنی)، ج ۱ انتشارات دانشگاه تهران چاپ ششم سال ۱۳۸۶ ص ۲۲۱.

معینی را ارائه کند و تعریف سید ابوالقاسم نقیبی^۱ از خسارت معنوی که به نظر می‌رسد تعریف جامع و مانعی باشد عبارتست از «زیانی است که به آزادی و حیثیت افراد و اعتبار اشخاص یا احساسات و عواطف خانوادگی، مذهبی، ملی یا بعد غیر مالی آفریده فکری، هنری، علمی و صنعتی وارد می‌شود یا درد و رنجی است که در نتیجه از دست دادن سلامتی جسمی پدید می‌آید یا ناراحتی روانی‌ای است که در زیان دیده به جهت کریه شدن چهره او از حادثه‌ای یا از دست دادن عزیزی یا ملاحظه درد و رنجش به وجود می‌آید».

برای جبران خسارت مادی در متون قانونی شیوه‌های متداول و شایع و در عین حال نسبتاً ساده‌ای پیش‌بینی شده است که در اجرای اصل اعاده وضعیت زیان‌دیده به حالت قبل از ورود خسارت شامل سه روش متعارف زیر است:

دادن عین مال خسارت دیده یا مثل یا قیمت آن که ولی هنوز برای جبران خسارات معنوی شیوه مشخص و روشنی پیش‌بینی نشده است. دلایل نارسائی شیوه‌های جبران خسارات معنوی جهات مختلفی دارد که موارد زیر را می‌توان به عنوان علل اصلی برشمرد:

۱- خسارت معنوی قابل جبران نیست زیرا:

الف - خسارت معنوی دارای ماهیت خاص می‌باشند و با روحیات و عواطف انسانها ارتباط تنگاتنگ دارند در نتیجه امکان ترمیم صدمات روحی و عاطفی و حتی ضایعات جسم به سادگی مقدور نیست. چگونه می‌توان عضو از دست رفته انسانی را به حالت نخست برگرداند و چشمی را که در اثر صدمه وارده از ناحیه دیگری نابینا شده ترمیم کرد و به طریق اولی ترمیم عواطفی که جریحه‌دار شده، روانی که آزرده گردیده و رنجی که بر شخص تحمیل شده را جبران کرد؟

ب- هیچ وسیله اطمینان‌بخشی جهت جبران خسارت معنوی نمی‌توان یافت زیرا ارزیابی

^۳ - نقیبی، دکترسید ابوالقاسم، خسارت معنوی در حقوق اسلام و ایران و نظام‌های حقوقی معاصر انتشارات امیر کبیر، سال ۱۳۸۵ ص ۴۳

میزان خسارات معنوی و تعیین معادل یا مابه‌ازاء این‌گونه خسارات مقدور نیست.

۲- به لحاظ اشکالات عملی فوق‌الذکر از طرفی و احیاناً شیوع بیش از حد زمینه‌های ورود خسارات معنوی به افراد در جامعه ایران محاکم قضائی کمتر خود را درگیر این‌گونه مسائل پیچیده می‌نمایند. به ویژه این که تعداد پرونده‌ها در امور حقوقی و کیفری به حدی است که مجالی جهت پرداختن به این امور که از ظرافت خاصی برخوردار بوده و اظهارنظر در مورد آن دقت نظر فراوان نیاز دارد نمی‌ماند.

۳- صدور نظریه مورخ ۱۳۶۴/۹/۵ شورای نگهبان در رابطه با قانون مطبوعات که تفصیل این نظریه در صفحات آینده درج شده است. با این وجود و با توجه به مواد و متون قانونی سابق‌الذکر و همچنین مستندات فقهی و در نهایت دلایل عقلی متعددی که در قبل مورد بحث قرار گرفت، مسئله ضرورت جبران خسارت معنوی امری مسلم و غیرقابل تردید است.

نظر غالب بین حقوق‌دانان و فقها خود مؤید این مسئله است: آنچه بیش از این موضوع (ضرورت جبران خسارات معنوی) مورد بحث و اختلاف نظر واقع شده شیوه‌های جبران آن .

گفتار دوم - منابع خسارات معنوی

آنچه مسلم است، خسارت معنوی دارای منشأ واحد نمی‌باشند.^۱ در حقوق فرانسه منابع این خسارات را به سه قسم: جرم، شبه جرم و قرارداد تقسیم می‌کنند و در حقوق ایران نیز می‌توان چنین تقسیمی را پذیرفت. در ارتباط با قسم اول و دوم باید گفت که این دو هم از نظر مواد و متون قانون و هم تاحدودی در احکام محاکم اجمالاً پذیرفته شده است و در مورد قسم سوم نیز بیشتر دولت‌ها آن را پذیرفته‌اند. چنانچه یکی از نویسندگان فرانسوی می‌گوید «امروز چه دکترین و چه آراء محاکم در پذیرش این مطلب که در جبران خسارت غیرمالی هیچ خصوصیتی لحاظ نمی‌شود و فرق بین مسئولیت ناشی از جرم و مسئولیت ناشی از قرارداد نیست متفقند». حال سوال این است که در حقوق کشورمان مسئله چگونه است و آیا در ارتباط با خسارات ناشی از قرارداد نیز می‌توان چنین نظری داد؟

استاد ناصر کاتوزیان معتقدند «امکان ارزیابی زیان معنوی به پول در مورد جرم (بند ۲ ماده ۹ ق آئین دادرسی کیفری سابق) و ضمان حقوقی در قوانین پیش‌بینی شده اما در مورد عدم انجام تعهدهای قراردادی حکم صریحی وجود ندارد»^۲. عرف قضایی نیز چنین دعوای را به دشواری می‌پذیرد و مجموعه‌های رویه قضایی نمونه‌هایی از تصمیم دادرسان و طرح دعوی را ارائه نمی‌کند. قرارداد، مرز بین مرسوم مبادله‌های مالی است و نقض آن نیز به دارایی شخصی صدمه می‌زند با وجود این هیچ مانعی وجود ندارد که طلبکار بتواند خسارت ناشی از لطمه به شهرت معنوی و حیثیت خود را از مدیون عهدشکن بخواهد.

۱- هانری ولتون مازو، ص ۲۹۲ به نقل از ... حاجی نوری غلامرضا، خسارت معنوی در حقوق کنونی، انتشارات دانشگاه تهران چاپ اول ص ۴۶.

۲. کاتوزیان، دکترناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم ش ۸۰۴ ص ۲۳۴ چاپ شرکت انتشار سال ۱۳۷۶.

فرض کنیم پیمانکاری بخش مهم سرمایه خود را در راه اجراء طرحی که کارفرما دارد به کار اندازد بدین امید و انتظار که عوض قابل ملاحظه آن می‌تواند پاسخگوی تعهدهای او در برابر دیگران و ضامن حفظ آبرو و شهرت معنوی پیمانکاری باشد. کارفرما در وفا به عهد مسامحه می‌کند، چندانکه چک‌های پیمانکار باز می‌گردد و برات‌هایی را که پذیرفته است واخواست می‌شود و در جامعه بازرگانی به بد قولی و دروغ‌گویی شهرت می‌یابد. آیا افزودن صدی دوازده بر اصل پیمانکار چنین خسارتی را که بیگمان پیامدهای مالی خطرناکی نیز به دنبال دارد جبران می‌کند؟ و آیا حقوق می‌تواند به این ضرر ناروا بی‌اعتنا بماند.^۱

اطلاق مواد ۲۲۱ و ۲۲۶ قانون مدنی نیز می‌تواند گره‌گشای مشکل باشد:

در ماده ۲۲۱ (ق. م) چنین آمده است «اگر کسی اقدام به امری کند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است، مشروط به اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد صرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد» حال چه دلیلی دارد که ضرر و زیان وارده و در نتیجه جبران آنرا منحصر به خسارات هادی بدانیم و در حقیقت کسی نمی‌تواند ادعا کند که خسارت بیش از مورد جرم و شبه جرم غیرمنصفانه است. شاید این اشکال پیش آید که در ذیل ماده آمده است «مشروط بر این که...» و این بدین معنی است که موضوع ماده در ارتباط با موردی است که طرفین تصریح به جبران خسارت نمایند یا حکم قانون و یا عرف چنین باشد؟ در جواب گفته شده است که مسئولیت قراردادی در زمره قواعد عمومی قراردادها است و فایده شرط تصریح دو طرف یا حکم قانون و عرف^۲ مربوط به خساراتی فراتر از متعارف

۱- همان منبع .

۲- کاتوزیان، دکتر ناصر، قانون مدنی در نظم کنونی ص ۲۱۴ نشر دادگستر سال ۱۳۷۸.

است. بنابراین اصله الاطلاق اقتضا دارد تا ماده مذکور را گرفتار قید و حصر نکنیم.

ماده ۲۲۶ (ق.م) نیز در صورتی که برای ایفا تعهد مدت معین مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد یا در صورتی که اختیار موقع انجام با طرف زیان دیده بوده و او نیز ثابت نموده که انجام تعهد را مطالبه نموده است می توان ادعاء خسارت نمود که باز اینجا کلمه خسارت مطلق است و شامل خسارت معنوی نیز می گردد.

البته کلمه خسارت و تفسیر محدود یا موسع آن برمی گردد به دیدگاه‌های مختلف حقوق دانان فرانسوی در مورد برخی مواد قانون مدنی فرانسه بدین معنی که ماده ۱۱۴۲ (ق.م.ف) می گوید: «هرگونه تعهد قراردادی به فعل یا ترک فعل در صورت عدم انجام منتهی به پرداخت غرامت می گردد.» همچنین در ماده ۱۱۴۹ قانون مذکور چنین آمده است که «غرامت‌ها می بایست به طلبکار پرداخت گردد به دلیل نفعی که از آن محروم گشته است و به دلیل ضرر یا احیاناً ورشکستگی که ناشی از این محرومیت است.» چنانچه ملاحظه می شود ماده ۱۱۴۲ (ق.م.ف) صحبت از غرامت‌های موضوع در قراردادها می کند و هیچ اشاره‌ای نیز به مادی یا معنوی بودن ضرر ندارد. اما در مورد ماده ۱۱۴۹ (ق.م.ف) نیز باید گفت چرا باید کلمه ورشکستگی، در مورد ورشکستگی نقدی و مالی به کار رود بلکه این ورشکستگی در حقوق معنوی نیز قابل ذکر است و اگر این موضوع را نپذیریم نمی توان ادعا کرد که عموم کلمات مبین این نکته است که ضرر مذکور از سنخ مالی است چرا که موارد استثنائی که جبران خسارت در آنها حذف شده در قانون آمده است.^۱

تنها به وسیله مطالعه کارهای مقدماتی نمی توان استنباط کرد که تمایل مؤلفان در مخالفت و تضاد با جبران خسارت معنوی در قراردادها می باشد. به هر ترتیب موریکوال^۲

۱- همان منبع .

۲-mouricau

در سخنرانی خودش اعلام می‌کند «غرامت‌هایی که به طلبکار پرداخت می‌شود باید تمام ضرر‌هایی که به دلیل عدم اجرا یا تاخیر به او رسیده است را جبران نماید.» همچنین در طرح قانون فرانسوی و ایتالیایی چنین آمده بود که: به طور کلی در ارتباط با ورشکستگی و محرومیت از منافع (عدم‌النفع) باید به طلبکار غرامت پرداخت «اما اگر بخواهیم به مسائل پشت پرده پردازیم باید بپذیریم که مخالف با جبران خسارت معنوی در زمینه قرارداد هستند».

مازوهادر حقوق فرانسه با تفسیر حقوق رم معتقد به جبران خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد هستند و تمایزی بین اینگونه خسارات با خسارات معنوی ناشی از جرم و شبه جرم نمی‌بینند.^۱

آنگاه چنین ادامه می‌دهند: «از دیدگاه ما هیچ دلیلی برای بررسی جداگانه این دو نوع از مسئولیت وجود ندارد. بدین معنی که تمام دلایل مذکور در ارتباط با جبران ضرر معنوی ناشی از جرم در مورد مسئولیت در جبران ضرر معنوی ناشی از قرارداد نیز معنی دارد. بدین معنی که در هر دو صورت غرامت‌های مختص، نقش جبران‌کننده را ایفا می‌کنند. حتی در مورد قرارداد، عدم پذیرش جبران خسارت معنوی بیش از موارد ناشی از جرم غیرمنصفانه است چرا که با امید اینکه سودی خواهد داشت، تصمیم به انعقاد قرارداد گرفته می‌شود و اغلب وعده یک سند مالی داده می‌شود و به همین دلیل نیز ارزیابی آن بسیار ساده است. آنگاه در ادامه می‌نویسد «در مورد قضاوت محاکم باید گفت برخلاف نوشته برخی نویسندگان که در حقیقت زحمت تجزیه و تحلیل درست از تصمیمات قضائی را نمی‌دهند و اعلام می‌کنند که در زمینه خسارات معنوی ناشی از نقض قرارداد محاکم حکم به رد

۱- هانری ولتون مازو، مسئولیت مدنی، جلد اول شماره ۳۱۱ تا ۳۱۳ به نقل از حاجی نوری غلامرضا، همان منبع ص

چنین دعاوی می‌دهند باید گفت که چنین سخنی صحیح نیست.^۱

به گفته پلنیول اصل و قاعده را به طور جدی باید زیر و رو کرد و چنین گفت که قضات دادگاه فرانسه با بکارگیری دلیل و منطق در پی جبران خسارت معنوی و ضررهای وارده به زیان دیده است. در حقیقت هر چند مواردی را می‌بینیم که محاکم احکامی صادر می‌کنند که مخالف جبران این خسارت است با این حال اکثریت محاکم چنین اظهار می‌نمایند^۲ که غرامت‌ها به موارد ذیل اختصاص می‌یابند: در مورد عدم اجرا قراردادهایی که در ارتباط با چیزهایی است که دارای ارزش معنوی است همانند عکس خانوادگی یا در موردی که عدم اجرا یک قرارداد توسط یکی از طرفین موجب آسیب رسانیدن به احساسات مذهبی طرف مقابل می‌گردد یا در صورتیکه نقض بدون دلیل یک قرارداد با یک معیار موجب خسارت به طرف مقابل گشته است یا در صورتی که کارگردان فیلمی شخصیت نامناسبی را به یکی از بازیگران واگذار می‌کند یا نقض غیرقانونی یک قرارداد کاری توسط کارگری به اقتدار کارفرما صدمه می‌زند، یا در قرارداد حمل و نقلی با عدم انجام به موقع به تعهدات توسط بنگاه مسافری و نرسیدن به موقع مسافر به مقصد خویش یا دیر رسیدن او حتی محاکم دلیلی را نیز مطالبه نمی‌کنند یا در صورتی که پزشکی در عمل نمودن به تعهدات خویش (مراقبت‌های جدی و احتیاطات لازم) موجب رسیدن خسارت معنوی از قبیل دردهای جسمانی و ماندن اثرات زخم بر ظاهر شخص می‌شود، محکوم به جبران خسارت می‌شود، یا کسی که مسئول ترتیب دادن مراسم تشییع جنازه است در اثر تعلل در به تاخیر انداختن

۱- ریپر، رساله مقدماتی حقوق مدنی پلنیول، جلد دو، شماره ۷۵۱ به نقل از... حاجی نوری غلامرضا، ص ۶۸.

۲- مازو، مسئولیت مدنی، جلد اول، شماره ۳۰۶ به نقل از... حاجی نوری غلامرضا،

۳- همان منبع ص ۶۹.

مراسم، خانواده متوفی را دچار رنج‌های روحی می‌کند همچنین در ارتباط^۱ با مولف نسبت به اثرش باید گفت هنگامی که یک مؤلف یا هنرمند اثر خویش را می‌فروشد تمام حقوق خود را نسبت به آن اثر از دست نمی‌دهد در نتیجه خریدار حق تغییر یا حذف عبارات آن را تا حدی که موجب ورود خسارت به نویسنده شود ندارد. بنابراین باید غرامات وارده را بپذیرد نتیجه این که: خسارات معنوی نیز همانند خسارت مادی باید جبران شود منتهی شرایط لازم در مسئولیت مدنی که عبارتست از وجود ضرر و رابطه علت و معلولی بین ضرر و عامل آن باید احراز گردد.

در حقوق انگلیس تفکیکی در این زمینه به چشم نمی‌خورد و هر چند تعداد دعاوی در زمینه مسئولیت در برابر وارد کردن خسارت معنوی ناشی از جرم و شبه جرم بیشتر است منتهی احکام مختلف را نیز در زمینه حکم به جبران خسارات معنوی ناشی از قرارداد مشاهده می‌کنیم که به مورد ذیل توجه شود:

در پرونده‌ای که توسط دادگاه هیئت منصفه و نهایتاً دادگاه شاهی آنرا پذیرفت خواهان زنی بود که نقش زنی را در فیلم راسپوتین به عهده گرفته بود. زنی که در فیلم نقش ناتاشا را بازی می‌کرد، در پایان اجرا نقش، متوجه می‌شود که خواننده (کارگردان) با دوبلاژو تغییر دان کلماتی که خواهان به زبان رانده بود کلماتی را از زبان او جاری می‌سازد که بیانگر این موضوع بود که خواهان به وسیله راسپوتین مورد فریب جنسی قرار گرفته است. هیئت منصفه رای به محکومیت خواننده داد و دادگاه هم خواننده را به ۲۵۰۰۰۰ پوند در قبال جبران خسارت معنوی محکوم نمود. همچنین در پرونده^۲

۱- مسئولیت مدنی، همان منبع، ماده ۳۳۴ و ۳۳۵.

۲- [limpoh coov- camden and slington health authority](#) ۱۹۷۹

که یک دکتر زن با سن ۳۶ سال با بیمارستان در زمینه اداره یک بچه خردسال قراردادی منعقد کرد اما در اثر کار زیادی دچار حمله قلبی شد که موجب خساراتی اساسی و غیر قابل جبرانی بود که او را به طور متناوب دستخوش احساسات قرار می‌داد و کاملاً متکی به دیگران شد، دادگاه حکم ۲۰۰۰۰ پوند به نفع خواهان در ازاء خسارات معنوی وارده نمود^۱.

گفتار سوم: انواع خسارت معنوی

در ارتباط با انواع خسارت معنوی تقسیم بندی‌های مختلفی، هر کدام از یک چشم انداز دیده می‌شود. وجود چنین تقسیماتی نشانه پیچیدگی ماهیت این خسارات می‌باشد و شاید علت اصلی را ارتباط موضوع خسارت معنوی با امورمادی دانست با این همه امکان ترسیم فهرست کاملی از مشخصات معنوی شخصیت که صدمه بدان‌ها موجب مسئولیت است تقریباً صفر است از طرفی تقسیم‌بندی کلان به صورتی که گویای انواع مختلف خسارت معنوی باشد، کاری بس سنگین می‌باشد و آنچه در ادامه مورد مطالعه قرار می‌دهیم آماری است ناقص از این تقسیم‌بندی که امیدواریم طلیعه ای باشد تا تحقیقات دانشمندان پاسخگوی این نیاز مهم باشد.^۲

الف- تقسیم براساس ارتباط خسارات معنوی با خسارات مادی

بررسی موارد مختلف خسارات معنوی گویای این حقیقت است که غالب خسارات

۱- کارل هارلو، مسئولیت مدنی، ص ۶۴ به نقل.... از حاجی نوری غلامرضا، همان منبع ص ۱۲۱.

۲- جنوی وینه، شرایط مسئولیت مدنی، شماره ۲۵۸ به نقل.... از حاجی نوری غلامرضا، همان منبع ص ۱۱۱.

۳- قابل ذکر است که در این خصوص نیز احکام مشابهی در ایران صادر شده که در صفحه ۸۰ آمده است. (رای دادگاه شعبه ۱۰۶۰ دادگاه های عمومی تهران در رابطه با پرونده های موسوم به همو فیلی)

مذکور همراه یا در ارتباط با خسارت مادی می‌باشند از یک حادثه ممکن است در آن واحد
ضررهای معنوی و مادی به صورت مقارن بروز کند. ضررهای وارده به حیثیت تجاری
موجب تردید در صفت امانت وی می‌گردد و نهایتاً کار تجاری وی (امر مالی) را نیز دچار
اختلال خواهد کرد. به نظر مازوها از این نقطه نظر دو نوع خسارت به طور کاملاً آشکار در
مقابل هم قرار می‌گیرد از سوی کسانی قرار دارند که به بخش اجتماعی سرمایه اخلاقی آنها
ضرر وارد شده است و در سوی دیگر کسانی هستند که به بخش اجتماعی سرمایه اخلاقی
آنها خسارت وارد شده است و در روی دیگر کسانی هستند که به بخش احساس^۱ سرمایه
اخلاقی آنها خسارت وارد شده است.

در حقیقت ضررهای معنوی یا از لطمه وارد آمدن به یکی از حقوق مربوط به شخصیت
و آزادی‌های فردی و حیثیت و شرافت که مجموع آنها را بخش اجتماعی سرمایه اخلاقی
نامیده‌اند ناشی می‌شود یا در نتیجه صدمه‌های روحی که بخش اول همیشه یا اغلب موارد
با خسارات مالی ارتباط دارد. بی‌احترامی و بی‌اعتنائی نسبت به یک شخص اغلب اوقات
این خطر را به همراه دارد که از لحاظ مالی نیز لطمه ببیند. گاهی اوقات حتی وادار به ترک
موقعیت و مقام‌اش و به مخاطره افتادن خود و یا حتی خانواده‌اش نیز می‌شود. یا در کار
تجاری‌اش دچار بحران جدی می‌شود در این‌گونه موارد برای پذیرش جبران خسارت
معنوی اشکال جدی دیده نمی‌شود. در حقوق ایران نیز قانون‌گذار در این زمینه اجمالاً
مقرراتی را وضع نموده که به عنوان مثال از قانون مسئولیت مدنی و مواردی از قانون
مجازات باب پنجم از کتاب دوم و فصل پانزدهم از کتاب پنجم و مواردی از این قبیل
می‌توان یاد کرد. برعکس در ارتباط با جنبه‌های روحی ضررهای معنوی سخت‌گیری زیادی
وجود دارد مازوها معتقدند که در این مورد ضررهای معنوی غالباً عاری از هر گونه پی

۱- هانری ولتون مازو، مسئولیت مدنی، جلد اول، شماره ۲۹۵ به نقل ... از حاجی نوری غلامرضا، همان منبع ص ۹۹.

آمدهای مالی هستند و زیان دیده دچار اندوه و غصه و غم می‌گردد.^۱

در کنار این دو نوع خسارت، تعدادی^۲ دیگر از خسارات نیز وجود دارند که بدین جهت که در رده خسارات مالی نیستند همانند ضرر و زیان‌های وارده به اعتقادات و باورهای مذهبی یا ضررهای بدنی بدون کاهش در مهارت کاری از قبیل جراحات وارده به زیبایی شخص که ممکن است با یک وسعت نظر در یکی از این دو نوع قرار گیرد.

ب- تقسیم‌بندی براساس قابلیت غرامت

یکی دیگر از تقسیم‌بندی‌هایی که در حقیقت ابتکارخانم وینی^۳ می‌باشد، تقسیم خسارت معنوی براساس قابلیت غرامت خواهی می‌باشد. وی از این دیدگاه خسارات معنوی را به سه نوع تقسیم می‌کند: ۱- خسارتی که متوجه حقوق معنوی شخص می‌گردد. ۲- خسارات ناشی از نتایج غیرمالی لطمات وارده به تمامیت جسمانی^۳ - صدمات ناشی از تخریب محیط زیست.

بند اول- خسارات وارده به حقوق معنوی شخص

الف - شخص حقیقی

در حقوق فرانسه گسترش دعاوی مسئولیت مدنی، موجب شده تا قانونگذار تمهیدات ویژه‌ای را در زمینه حمایت از حقوق اشخاص به کار ببندد. به رسمیت شناختن این حقوق تا جایی بوده است که اصول مسئولیت مدنی در جهت بیمه کردن این حقوق به راحتی به

۱- همان مأخذ، ص ۲۹۷.

۲- همان مأخذ، ص ۲۹۹.

۳- viney

کار گرفته است. از میان حقوق^۱ واجد جنبه اجتماعی شخصیت که صدمه بدانها می‌تواند توجیه‌گر یک محکومیت مدنی در زمینه خسارت معنوی باشد اولین جایگاه را می‌توان به امنیت و آزادی شخص اختصاص داد. ۱

در حقوق ایران قانون اساسی فصل سوم خود را اختصاص به حقوق ملت داده است که این فصل نیز مشتمل بر ۲۴ اصل می‌باشد و مخصوصاً در برخی اصول همانند اصل بیست و دوم و سی و نهم صراحتاً از حیثیت و شخصیت افراد و امنیتی که لازمه حفظ این حیثیت و شخصیت می‌باشد دفاع شده است. همچنین مواد مختلف قوانین مسئولیت مدنی، احزاب، مطبوعات و سایر قوانین نشانگر اهتمام قانونگذار بر حفظ ارزش‌های والا در شخصیت انسان می‌باشد. در بند ۶ اصل دوم قانون اساسی که پایه نظام جمهوری اسلامی در آن مقرر شده است: «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا. ..»

دقت در این بند بیانگر این موضوع است که اگر قانون اساسی در ارتباط با حقوق مربوط به حفظ شخصیت، تنها این بند را ذکر می‌نمود کافی بود بدین ترتیب قانونگذار در دوره‌های مختلف قانونگذاری قبل و بعد از انقلاب اهتمام جدی به ارج نهادن به شخصیت والای انسانی داشت منتهی چه در میان متون قانون قبل و چه بعد از انقلاب ضمانت اجراء قاطع دیده نمی‌شود.

قانون مدنی فرانسه بر اثر تلاش‌های فراوان رویه قضایی در ماده ۹ خویش چنین آورده: «هر کسی حق دارد به منظور بهره بردن از زندگی شخصی خویش حقوق، اختیارات و امتیازات متنوع داشته باشد» بدین ترتیب اشخاص می‌توانند در مقابل سخنان موهومی که گویندگان و نویسندگان چه به وسیله کتاب یا رسانه‌های گروهی به آنها نسبت می‌دهند

۳- وینه، شرایط مسئولیت مدنی شماره ۲۵۶ به نقل از حاجی نوری غلامرضا، همان منبع ص ۱۰۳.

واکنش نشان دهند و اقامه دعوا نمایند آنان حتی نسبت به عکس‌ها و تصاویر خود دارای مالکیت هستند تا آنکه اشخاص ثالث بدون اجازه آنها نتوانند اقدام به تکثیر و انتشار این تصاویر نمایند و در حقیقت هر چند این امور خارج از محدوده اموال است با این حال عقلاء عالم بین امور مذکور و شخص صاحب حق ارتباط حق و تکلیفی می‌بینند.

قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۸/۱۸ در بند ۸ ماده ۶ مقرر می‌دارد «افترا و توهین به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد» در قانون مطبوعات سال ۶۴ اشخاص می‌توانستند حتی در مواردی مطالبه خسارت معنوی نمایند و دادگاه نیز مکلف بود تا به این دعوی رسیدگی نماید. هر چند شورای نگهبان مطالبه خسارات معنوی به مادی را مشروع ندانست با اینحال مواردی همچون بند ۸ ماده ۲۳، ۳۰ و ۳۱ و مواد دیگر اهتمام قانونگذار را در حفظ شخصیت و حیثیت افراد نشان می‌دهد همچنین مواد مختلف قانون مسئولیت مدنی که بهترین مستند و دلیل قانونی جهت طرح دعوی نقض حقوق مربوط به شخصیت است، چرا که تنها حق اقامه دعوی، متضمن حفظ حدود و مرزهای حرمت اشخاص است؛ چنانچه اشخاص حق دارند که مکاتبات و مکالمات تلفنی آنها نیز محرمانه بماند چرا که لطمه به هر یک از این حقوق موجب مسئولیت مدنی عامل زیان است. تعرض به نام اشخاص نیز جزو همین مقوله می‌باشد، خصوصاً در صورتیکه نام خواهان در یک اثر ادبی همانند فیلم و رمان مورد سوء استفاده قرار گیرد و یا حتی در صورتی که نام تجاری شخص موجب بروز اشتباه در اذهان شود.^۱

در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لاینز به حقوق مربوط به شخصیت اهمیت فراوانی داده اند کثرت دعاوی مربوط به شخصیت و احکام آن گویای اهتمام حقوق کامن لا بدین

۱- وینه، شرایط مسئولیت مدنی، شماره ۲۵۹ و ۲۶۰ به نقل از... از حاجی نوری غلامرضا، همان منبع ص ۸۸.

موضوع است که به عنوان نمونه به مورد ذیل اشاره می‌شود: در پرونده‌ای شخصی به نام بروم و نویسنده‌ای به نام دیوید آیرونیک با چاپ کتابی به نام خرابکاری در حمل و نقل نسبت سهل‌انگاری به کاپیتان اسکورت کننده ناو بخت برگشته pq۱۷ داد، هیئت منصفه علیه هر دو نفر و همچنین موسسه انتشاراتی حکم به پرداخت چهل هزار پوند خسارت معنوی (از بابت ۶۰ نسخه کتاب مذکور که در دسترس مردم قرار گرفته بود و دادگاه نیز به آن حکم داده و در مراحل بعدی نیز این رأی مورد تایید قرار گرفت).^۱

در پرونده‌ای جالب تر^۲ صادره از مجلس لردان، محکمه مذکور حکم به ۲۵۰ پوند خسارت معنوی می‌دهد موضوع از این قرار بوده است که خواننده در تلگرافی به خواهان می‌نویسد که خدمه‌ای که قبلاً در خدمت خواهان بوده، اینک به استخدام خواننده در آمده است لذا هر چه به خدمه مذکور بدهکار هستید و همچنین قرضی را که از مستخدم گرفته‌اید به اولد بارتون بفرستید. خواهان چنین اقامه دعوی نمود که خواننده در نامه‌اش به او افترا زده است بدین معنی که مطالب مذکور بیانگر این نکته است که خواهان گرفتار تنگنای مالی است، تا جائیکه از کارگر خود درخواست وام نموده و توانایی پرداخت دستمزد او را هم ندارد و در اثر این بدنامی، اعتباری که قرار بود خواهان دریافت کند، پرداخت نشده است.^۳ در پرونده‌ای دیگر که آن را نیز از سوی بالاترین مرجع قضایی (دادگاه شاهی) رای به جبران ضرر معنوی شده است.

در این پرونده که توسط مان صون^۴ بر علیه تیسود اقامه شده بود خواننده که قبلاً متهم به کشتن شخصی در منطقه آردل آمونت شده بود، نمایشگاهی از مجسمه‌های مضحک به نمایش گذاشته بود که در یکی از سالن‌ها همراه مجسمه ناپلئون یک مجسمه مضحک نیز از

۱- هیل، میتوز، مسئولیت مدنی، لندن، ص ۴۲۰ به نقل از... حاجی نوری غلامرضا، خسارت معنوی در حقوق کنونی، همان منبع ص

۷۴.

۲- simv.stretch

۳- همان منبع، ص ۴۳۵.

۴- monson v.tussaudes